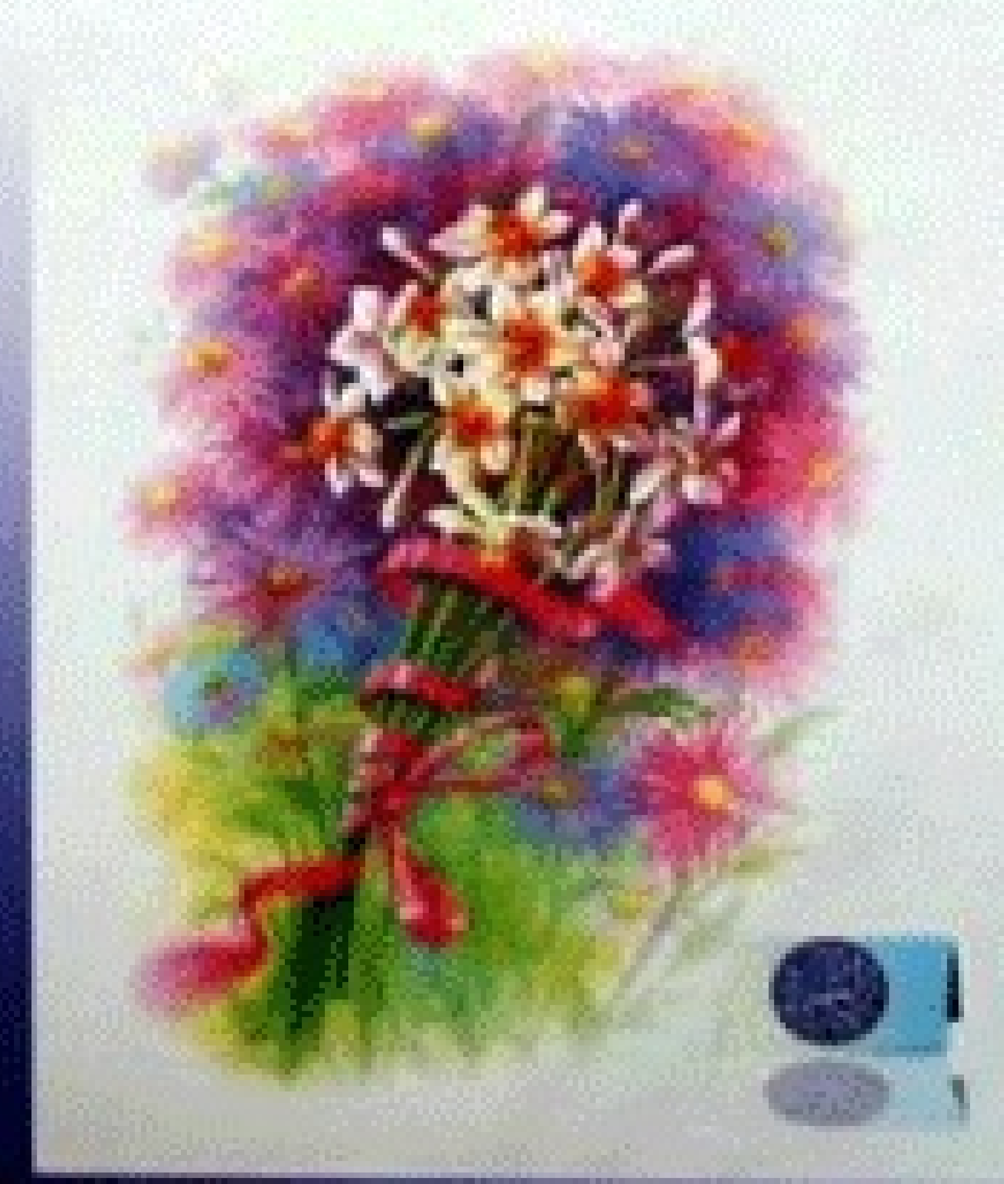


جلوه‌های محبت امام زمان(عج)




بسم الله الرحمن الرحیم

میر مهر (جلوه های محبت یار)

نویسنده:

مسعود پور سید آقایی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

میر مهر (جلوه های محبت یار)

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: پورسیدآقائی، مسعود۱۳۳۸-

عنوان و شرح مسئولیت: میر مهر(جلوه های محبت یار) [منبع الکترونیکی] / مسعود پورسیدآقایی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۲۷ بایگانی: ۵۸.۴KB)

موضوع: مهدویت

ملاقات با امام زمان عج

عصر غیبت

هدایت تکوینی

علم غیب امام

مقدمه

امام عصر (عج) تجلّی رحمت واسعه‌ی حق است. باید نمودها و جلوه‌های محبّت و مهر او را به همه‌ی انسان‌ها، به ویژه دوستداران آن امام نشان داد.بررسی این نمونه‌ها، در شرایط امروز و برای انسان خسته‌ی معاصر، از اهمّیّت مضاعفی برخوردار است؛ چه این که بسیاری، به جای مهر، بر قهر آن امام همام تأکید ورزیده‌اند.در یک بررسی کوتاه، بیست و شش نمونه از محبّت‌های آن کاروانْ سالار قبیله‌ی مهر را برشمرده‌ایم و آن‌ها را در سه عنوان «یاد» و «مدد» و «دیدار»، جمع‌بندی کرده‌ایم.السلام علیکَ أیّها الرحمهٔ الواسعهٔ. [۱] .إن رحمهٔ ربکم وسعت کلَّ شیٔ و أنا تلک الرحمهٔ. [۲] .اللهم هب لنا رأفته و رحمَتَهُ و دعاءه و خیره. [۳] .و اشفق علیهم من آبائهم و اُمّهاتهم. [۴] .امام، مظهر اسمای حسنای الهی و تجلّی رحمت واسع حق است. کسی که تربیت شده‌ی خدای رحمان باشد، مظهر رحمت بی‌کران الهی است. در وسعت سینه‌ی او که دریاها هم به چشم نمی‌آید، کران، تا به کران عشق به همه‌ی انسان‌ها موج می‌زند.امام، پدری مهربان، همدمی شفیق و همراهی خیرخواه است. [۵] در حجم نگاه سبز او، افق هم، رنگ می‌بازد. حضرت مهدی‌علیه السلام، شاهد همه‌ی دردها و آلام انسان‌ها است. دل او، دل بیداری است که همراه هر تازیانه و هر قطره‌ی خون و هر فریاد، حضور دارد و درد و رنج مرا از من بهتر و بیش‌تر احساس می‌کند و برای من بیش از خود من می‌سوزد، چرا که معرفت و محبّت من، محدود و غریزی است، در حالی که معرفت او، حضوری و محبّت او به وسعت وجودی او باز می‌گردد و تجلّی رحمت واسعه‌ی حق است. [۶] .دریغا! در گوش ما همواره، از قهر مهدی‌علیه السلام گفته‌اند و ما را از شمشیر و جوی خون او ترسانده‌اند و از مِهر و عشق او به انسان‌ها و تلاش و فریادرسی او به عاشقان و منتظرانِ خود کم‌تر گفته‌اند! هیچ کس به ما نگفت که اگر او بیاید، فقیران را دستگیری، بی خانمان‌ها را سامان، بی کسان را همدم، بی همسران را همراه، غافلان را تذکّر، گم گشتگان را راه، دردمندان را درمان و در یک کلام، خاک نشینان عالم را تاک نشین خواهد کرد.قهر او نیز جلوه‌ی محبّت او است، چه این که قهر او بر جماعتی اندک و ناچیز از معاندان و نژاد پرستانی خواهد بود که علی‌رغم رشد فکری انسان‌ها در آن عصر، و هدایت‌ها و معجزات آن حضرت و نزول مسیح(ع) از آسمان و اقتدایش به وی، باز هم به او کفر می‌ورزند و حکومت عدل‌اش را گردن نمی‌گذارند و در زمین فساد می‌کنند، کسانی مانند صهیونیست‌ها که دشمن انسانیّت‌اند و جز زبان زور، هیچ زبانی نمی‌فهمند، و این، یعنی خارها را از سر راه انسان و انسانیّت برداشتن و مهر در چهره‌ی قهر.آری، چه سخت است مولای مهربانی را

که رحمت واسع حق است و در دل‌اش، عشق به انسان‌ها موج می‌زند، به چنین اتهام‌هایی خواندن و «میرِ مِهر» را، «میرِ قهر» نشان دادن!سزاوار است در ایّام ولادت تجلّی رحمت واسع حق، مروری به گوشه‌هایی از جلوه‌های مِهر و محبت آن امام همام و آخرین ذخیره‌ی الهی داشته باشیم.

نامیدن (یاد کردن حضرت برخی از دوستداران خود را به اسم)

نام هر کس، عاطفی‌ترین، شخصی‌ترین و مورد علاقه‌ترین نشانه‌ی هر کس است. آن‌گاه که نام ما را می‌خوانند، چه بسیار مایه‌ی شادمانی و سرور ما می‌گردد. هر چه، خواننده‌ی ما، محبوب‌تر و زیباتر، شنیدن صدای دل ربای او و شنیدن اسم و نام خود از زبان او دل پذیرتر و سرور انگیزتر. به راستی چه ابتهاجی دارد آن‌که نام خود را از زبان خدای عالم می‌شنود: سلامٌ علی إبراهیم، سلامٌ علی نوح، سلامٌ علی آل یاسین،...مهدی(عج) همه‌ی مردم و بویژه شیعیان خود را نیک می‌شناسد و با نام تک تک آنان آشناست. [۷] نامه‌ی اعمال ما، هر هفته، به خدمت حضرت‌اش عرضه می‌شود. او، هرگز، یاد ما را از خاطر نمی‌برد (ولا ناسین لذکرکم). چه شعف‌انگیز است که در سرزمینی غریب، یکه و تنها آن‌جا که راه را گم کرده‌ای، ناگهان، کسی با زبان آشنا، تو را بخواند و با مهربانی، تو را در آغوش نگاه‌اش بنشاند.روزی آیهٔالله العظمی بهاءالدینی به من گفت: «امسال، در مکّه‌ی معظّمه در مجلسی که آقا امام زمان (عج) تشریف داشتند، اسم افرادی برده شد که مورد عنایت آقا بودند، از جمله‌ی آنان حاج آقا فخر [۸] بود.»خودم را به آقا فخر رساندم و از ایشان پرسیدم: «چه کرده‌ای که مورد عنایت حضرت واقع شده‌ای؟» گریه کرد و پرسید: «آقای بهاءالدینی نگفت چه گونه خبر به ایشان رسیده است؟» گفتم: «نه». حاج آقا فخر گفت: «من، کاری نداشته‌ام، جز این‌که مادر من، علویه است و افلیج و زمین‌گیر شده است. تمام خدمات او را خود بر عهده گرفته‌ام، حتّی حمام و شست‌وشوی او را. من گمان می‌کنم، خدمت به مادر، مرا مورد عنایت حضرت قرار داده است». [۹] .للأخ السدید والولیّ الرشید الشیخ المفید أبی عبدالله محمّد بن محمّد بن النعمان، أدام اللّه إعزازه. [۱۰] .

سلام (تحیت و سلام امام بر دوستداران خود)

سلام، تحیّت و برکت و رحمت و سلامتی است؛ نشانه‌ی محبت و صفا، اخلاص و یک رنگی است؛ رمز عاشق و معشوق، مرید و مراد است. سلام خدا و امام بر هر کس، مُهر تاییدی است بر کارنامه‌ی او.«سلامٌ علی ابراهیم.» در روایت است، آن گاه که فرشتگان الهی، نزد ابراهیم آمدند و بشارت تولّد فرزند برای او آوردند و بر او سلام کردند، لذّتی که ابراهیم‌علیه السلام از سلام این فرشتگان برد، با تمام دنیا، برابری نداشت. به راستی چه لذتی دارد سلام مولا! [۱۱] .«سلام علیک أیّها الولی المخلص لنا فی الدین، المخصوص فینا بالیقین»«سلام علیک أیّها الناصر للحق، الداعی الی کلمهٔ الصدق» [۱۲] .چون ثلث از راه را تقریباً [برگشتم] سیّد جلیلی را دیدم که از طرف بغداد رو به من می‌آید. چون نزدیک شد، سلام کرد... [۱۳] .

معانقه و در آغوش گرفتن

چون نزدیک شد، سلام کرد و دست‌های خود را گشود برای مصافحه و معانقه و فرمود: «اهلاً و سهلًا!». و مرا در بغل گرفت و معانقه کردیم و هر دو هم را بوسیدیم. [۱۴] .چرا این طور نباشد و حال آن‌که حضرت ولی عصر(ارواحنا فداه) مرا شبی در مسجد کوفه به سینه‌ی خود چسبانیده است. [۱۵] .در این موقع وارد مسجد سهله شدیم، در مسجد کسی نبود. ولی پدرم در وسط مسجد ایستاد که نماز استغاثه بخواند. شخصی از طرف مقام حجت‌علیه السلام نزد او آمد. پدرم به او سلام کرد و با او مصافحه نمود. پدرم به من گفت: این کیست؟ گفتم: آیا حضرت‌حجت‌علیه السلام است؟ فرمود: پس کیست؟!. [۱۶] .

نظارت (آگاهی از احوالات جامعه‌ی شیعه)

«فأنا نحیط علماً بأنبائکم ولایعزب عنّا شیء من أخبارکم»؛ما بر اخبار و احوال شما، آگاه‌ایم و هیچ چیز از اوضاع شما، بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند.«أنا غیر مهملین لمراعاتکم و لاناسین لذکرکم و لولا ذلک لنزل بکم اللأواء واصطلمکم الاعداء»؛ما، در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی و اهمال نکرده‌ایم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بوده دشواری‌ها و مصیبت‌ها، بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند.)«صاحب هذا الأمر یتردد بینهم و یمشی فی أسواقهم و یطأ فرشهم...»؛صاحب این امر، در میان آنان، راه می‌رود و در بازارهایشان رفت و آمد می‌کند، روی فرش هایشان گام بر می‌دارد...

شریک غم و شادی

در این مورد، طوایفی از روایات وجود دارد که صاحب مکیال المکارم آن‌ها را متذکّر شده است. [۱۷] جدای از آن ها از دیگر ائمه‌علیهم السلام نیز در این مورد، روایات فراوانی به ما رسیده است:امام امیرالمؤمنین‌علیه السلام می‌فرماید:«أنا لنفرح لفرحکم و نحزنُ لِحُزنکم...»؛«ما، در شادمانی شما، شاد، و برای اندوه شما، اندوهگین می‌شویم...». [۱۸] .امام صادق‌علیه السلام می‌فرماید:«والله! لأنا ارحم بکم منکم بأنفسکم...»؛«به خدا سوگند! که من، نسبت به شما، از خود شما، مهربان‌تر و رحیم ترم.» [۱۹] .امام رضاعلیه السلام نیز می‌فرماید:«ما من احد من شیعتنا ولا یغتّم إلّا اغتممنا لغمّه ولا یفرح إلّا فرحنا لفرحه...»؛«هیچ یک از شیعیان ما، غم زده نمی‌شود، مگر این‌که ما نیز در غم آنان، غمگین، و از شادی آنان، شادمان‌ایم. و هیچ یک از آنان، در مشرق و مغرب زمین، از نظر ما، دور نیستند و هر یک از شیعیان ما که بدهی از او بماند (و نتوانسته باشد بپردازد) بر عهده‌ی ما است...».

دعا برای دوستداران خود

امام علیه السلام همواره، بر دوستداران خود دعا می‌کند. صاحب مکیال المکارم در اثبات این مدعا، چنین می‌گوید:چون مقتضای شکرِ احسان، همین است. و دلیل بر آن، فرمایش مولی صاحب الزمان‌علیه السلام در دعایی است که در مُهج الدعوات می‌باشد:«و کسانی که برای یاری دین تو، از من پیروی می‌کنند، نیرومند کن و آنان را جهادگر در راه خودت قرار ده، و بر بدخواهان من و ایشان، پیروزشان گردان...». [۲۰] .بدون شک، دعا کردن برای آن حضرت و برای تعجیل فَرَجِ آن جناب، تبعیّت و نصرت او است؛ چون یکی از اقسام نصرت حضرت صاحب الزمان‌علیه السلام یاری کردن به زبان است، و دعا برای آن حضرت، یکی از انواع یاری کردن به زبان می‌باشد.و نیز دلیل بر این معنا است که در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ذیل آیه‌ی شریفه «وَإِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها» [۲۱] ؛ و هرگاه مورد تحیّت [بدرود و ستایش]واقع شدید، به بهتر یا نظیر آن، پاسخ دهید.» گفته است: «سلام و کارهای نیک دیگر.» [۲۲] .واضح است که دعا، از بهترین انواع نیکی است، پس اگر مؤمن، برای مولای خود، خالصانه دعا کند، مولایش هم برای او خالصانه دعا می‌کند، و دعای آن حضرت، کلید هر خیر و داس هر شرٍّ است.شاهد و مؤیّد این مدّعا، روایتی است که قطب راوندی، در خرایج آورده که گفت:«جمعی از اهل اصفهان، از جمله ابوالعباس احمد بن النصر و ابوجعفر محمّد بن علویه، نقل کردند که: شخصی به نام عبدالرحمان، مقیم اصفهان شیعه بود. از او پرسیدند: «چرا به امامت حضرت علی النقی(ع) معتقد شدی؟». گفت: «چیزی دیدم که موجب شد من این چنین معتقد شوم. من مردی فقیر، ولی زباندار و پر جرأت بودم. در یکی از سال‌ها، اهل اصفهان مرا با جمعی دیگر برای شکایت به دربار متوکل بردند، در حالی که بر آن دربار بودیم دستوری از سوی او بیرون آمد که علی بن محمّد بن الرضا(ع) احضار شود. به یکی از حاضران گفتم: «این مرد کیست که دستور احضارش داده شده؟» گفت: «او، مردی علوی است که رافضیان، معتقد به امامت‌اش هستند.»سپس گفت: «چنین می‌دانم که متوکّل، او را برای کشتن

احضار می کند.» گفتم: «از این‌جا نمی‌روم تا این مرد را ببینم چه‌گونه شخصی است؟» گوید: «آن‌گاه او، سوار بر اسب آمد و مردم از سمت راست و چپ راه، در دو صف ایستاده به او نگاه می کردند. هنگامی که او را دیدم، محبّت‌اش در دل‌ام افتاد. بنا کردم در دل برای او دعا کردن که خداوند، شرّ متوکل را از او دفع کند، او، در بین مردم پیش می‌آمد و به کاکل اسب‌اش نگاه می کرد، و به چپ و راست نظر نمی‌افکند، من در دل پیوسته برایش دعا می کردم. هنگامی که کنارم رسید صورتش را به سویم گردانید. آن‌گاه فرمود: «خداوند، دعایت را مستجاب کند، و عمرت را طولانی، و مال و فرزندات را زیاد».از هیبت او، بر خود لرزیدم و در میان رفقایم افتادم. پرسیدند: «چه شد؟» گفتم: «خیر است.» و به هیچ مخلوقی نگفتم.پس از این ماجرا، به اصفهان برگشتیم. خداوند، به برکت دعای او، راه هایی از مال بر من گشود، به طوری که امروز، من، تنها، هزار هزار درهم ثروت در خانه دارم، غیر از مالی که خارج از خانه، ملك من است، و ده فرزند دارا شدم، و هفتاد و چند سال از عمرم می گذرد. من، به امامت این شخص معتقدم که آن چه در دل‌ام بود، دانست و خداوند، دعایش را درباره‌ام مستجاب کرد». [۲۳] .می گویم: ای خردمند! نگاه کن چه‌گونه امام هادی‌علیه السلام دعای این مرد را پاداش داد به این که در حقِّ او دعا کرد به آن چه دانستی، با این که در آن هنگام او از اهل ایمان نبود، پس آیا چه‌گونه درباره‌ی حضرت صاحب الزمان‌علیه السلام فکر می کنی؟ به گمان‌ات اگر برای‌اش دعا نمایی، او دعای خیر در حقات نمی کند، با این که تو از اهل ایمان هستی؟ نه! سوگند به آن‌که انس و جن را آفرید، بلکه آن جناب برای اهل ایمان دعا می کند، هر چند که خودشان از این جهت غافل باشند، زیرا که او، ولیّ احسان است.در تأیید آن‌چه در این جا ذکر شد، یکی از برادران صالح، برای‌ام نقل کرد که آن حضرت‌علیه السلام را در خواب دیده، آن حضرت، به او فرموده‌اند:«من، برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سید الشهداء، در مجالس عزاداری، دعا کند، دعا می کنم».از خداوند، توفیق انجام دادن این کار را خواهان‌ایم که البته، او، مستجاب کننده‌ی دعاها است. [۲۴] .

آمین بر دعاهای دوستداران خود

امام مهدی(عج) بر دعاهای ما «آمین» می گوید. امام امیرالمؤمنین‌علیه السلام به زُمَیْله می‌فرماید: ای زمیله! هیچ مؤمنی نیست که بیمار شود، مگر این‌که به مرض او مریض می‌شویم، و اندوهگین نشود مؤمنی، مگر این‌که به خاطر اندوه او، اندوهگین گردیم، و دعایی نکند مگر این‌که برای او آمین گوییم، و ساکت نماند مگر این‌که برای‌اش دعا کنیم. [۲۵] .

نامه (به شیخ مفید، سید ابوالحسن اصفهانی و...)

«إنّه قد أذن لنا فی تشریفک بالمکاتبهْ. هذا کتابنا إلیک أیها الأخ الولی».«هذا کتابنا بإملائنا و خطِّ ثقتنا. هذا کتاب إلیک... ولاتظهر علی خطنا الذی سطرناه». [۲۶] .«ارخص نفسک واجعل مجلسک فی الدهلیز واقض حوائج الناس، نحن ننصرک»؛«خودت را برای مردم ارزان کن و در دسترس قرار بده، محلِّ نشستن‌ات را در دهلیز خانه‌ات انتخاب کن، تا مردم، سریع و آسان، با تو ارتباط داشته باشند و حاجت‌های مردم را بر آور. ما، یاری‌ات می کنیم». [۲۷] .

عیادت

داستان‌های متعددی از عیادت حضرت حجت(عج) از دوستداران خود در کتاب‌ها نوشته شده است. از جمله‌ی آن‌ها عیادت حضرت، از حاج ملّاعباس تربتی و حاج سیّد عبدالله رفیعی است. [۲۸] .

تشییع

حضرت، در تشییع جنازه‌ی برخی دوستداران مخلص خود، شرکت می کند. در این مورد، نمونه‌های فراوانی است:حضرت آیهٔ الله امامی کاشانی، در جلسه‌ی سوم مجلس ختمی که در «مسجد اعظم قم»، از طرف اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم برگزار شده بود، در سخنرانی خود فرمودند: یکی از افرادی که مورد وثوق است و گاهی اخباری را در دسترس‌ام قرار می‌دهد، گفت: «به منظور شرکت در تشییع جنازه‌ی حضرت آیهٔ الله العظمی گلپایگانی‌قدس سره از تهران به قم رفتم و به مسجد امام حسن مجتبی‌علیه السلام رسیدم. در آن‌جا به دو نفر از اصحاب حضرت حجّت، أرواحنا فداه، برخورد کردم. آنان به من گفتند: «امام زمان‌علیه السلام در مسجد امام حسن عسکری‌علیه السلام تشریف دارند، برو آقا را ملاقات کن». با عجله، خودم را به مسجد امام حسن عسکری‌علیه السلام رساندم و وارد مسجد شدم. در آن هنگام اذان ظهر را گفته بودند. من، متوجّه شدم که حضرت،با سی نفر از اصحاب، مشغول نماز هستند. اقتدا کردم. بعد از نماز، حضرت فرمودند: «ما، از همین جا تشییع می کنیم...». از مسجد خارج شدیم و دنبال جمعیت، با آقا رفتیم تا به صحن رسیدیم.» [۲۹] .مرحوم آیهٔ الله سیّد محمد باقر مجتهد سیستانی، پدر آیهٔ الله العظمی حاج سیّد علی سیستانی، دامت برکاته، در مشهد مقدّس، برای آن‌که به محضر امام زمان‌علیه السلام شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا را چهل جمعه، هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز می کند.ایشان می‌فرمود: «در یکی از جمعه‌های آخر، ناگهان، شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه‌ای نزدیك به آن مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم، می‌تابید. حال عجیبی به من دست داد و از جای برخاستم و به دنبال آن نور، به در آن خانه رفتم. خانه‌ی کوچك و فقیرانه‌ای بود که از درون آن، نور عجیبی می‌تابید. در زدم. وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم که حضرت ولّی‌عصر امام زمان‌علیه السلام، در یکی از اتاق‌های آن خانه، تشریف دارند و در آن اتاق، جنازه‌ای را مشاهده کردم که پارچه‌ای سفید روی آن کشیده بودند.وقتی که من وارد شدم و اشك‌ریزان سلام کردم، حضرت، به من فرمودند: «چرا این گونه به دنبال من می گردی و این رنج‌ها را متحمّل می‌شوی؟! مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من به دنبال شما بیایم.» بعد فرمود: «این، بانویی است که در دوره‌ی بی حجابی (دوران رضا خان پهلوی)، هفت سال از خانه بیرون نیامد تا مبادا نامحرم او را ببیند.»! [۳۰] و [۳۱] .

دفع بلا

«أنا خاتم الأوصیاء و بی یدفع الله عزّوجلّ البلاء عن أهلی و شیعتی»؛«من، آخرین وصیّ‌ام و خداوند، به واسطه من بلا، را از اهل و شیعیان من دور می‌سازد». [۳۲] .

پیام

آن بزرگوار، در فرازهای مهمّی از تاریخ، پیام‌هایی برای جامعه‌ی شیعه یا برخی افراد می‌فرستد.داستان فتوای حرمت استعمال تنباکو به میرزای شیرازی [۳۳] و پیام به سید ابوالحسن اصفهانی و امام راحل رحمه الله در واقعه بیست و یکم بهمن، نمونه‌های خوبی است. [۳۴] .

مسجدها و مقام‌ها (مسجد سهله، جمکران، امام حسن مجتبی...)

امام، جایگاه‌هایی را برای عبادت و توجه به خود می گزینند و با نشانه‌ها و کراماتی، همراه می کند و همگان را به آن‌جا فرا می‌خواند تا خدا را بخوانند و متوجّه امام خود باشند و فرج او را که فرج خود آنان است، بخواهند. در ایران اسلامی،مسجد جمکران، از اهمّیّت ویژه‌ای برخوردار است. [۳۵] .

نیابت

قرار دادن حضرت نـایبی را برای خـود در ایّـام غیبت، یکی از مهم‌ترین جلوه‌هـای محبّت حضـرت به شـیعیان است:«و أمـا الحوادث الواقعهٔ فارجعوا فیها إلی رواهٔ حدیثنا.» [۳۶] .

تعلیم

حضرت، دعاها [۳۷] ، زیارات، پرسـش‌های علمی برخی علما [۳۸] ، را... تعلیم می‌دهـد. از جملهٔی دعاها، زیارت آل یاسـین، عظم البلاء [۳۹] ، زیارت رجبیه است که هر یک، دارای مضامین بسیار بلندی‌اند.حکایت سیّد رشتی و سفارش امام عصر(عج) بر خواندن نافله و عاشورا و جامعه، بسـیار شنیدنی است. [۴۰] .«طلب المعـارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوق لإنکارنا»؛ [۴۱] .«طلب معارف از غیر طریق ما اهل بیت، مساوی با انکار ما است».سفارش حضرت به قرائت قرآن و ادعیه و زیارات. [۴۲] .

درس آموزی

داستان شیعیان بحرین و این‌که ما آماده‌ایم، پس چرا حضرت نمی‌آید و انتخاب یک نفر از میان خود به عنوان بهترین فرد و برخورد حضـرت با آن فرد و فرستادن پیام به این‌که در فلان روز و فلان مکان، همهٔی شیعیان جمع شوند و درس مهمّی که حضرت به آنان می‌دهد.... [۴۳] .

از غربت تا حکومت

در هنگام شهادت امام عسکری‌علیه السلام شیعه، در غربت است و در حیرتی جانکاه به سر می‌برد، امّا امروزه، ایران اسلامی، با نام و یاد حضرت قیام می‌کند و با رهبری نایب او پیروز می‌شود. آیا این چیزی جز عنایات و امداد حضرت است؟خدای تعالی به پیامبرش می‌گویـد:«به یاد بیاور آن زمانی که در غربت بودیـد و از این‌که شـما را نربایـنـد، در هراس بودیـد [۴۴] و امروزه...».مقایسهٔی وضع گذشـته و امروز مـا، درس‌های زیادی از جلوه‌های محبّت یار را با خود به همراه دارد.در این زمینه، کلام حضـرت به مرحوم میرزای نایینی نمونهٔی گویایی است: «این‌جا (ایران) شـیعه خانهٔی ما است. می‌شـکند، خم می‌شود، خطر هست، ولی ما نمی‌گـذاریم سـقوط کند. ما نگه‌اش می‌داریم.» [۴۵] .

فریادرسی (دستگیری درماندگان و راه‌یابی گمشدگان)

داسـتان‌های متعــددی وجـود دارد در مـورد این‌کـه چه‌گـونه حضــرت بـه فریـاد برخی از مستضــعفان جهـان و دوسـتداران خـود می‌رسـند:داستان مرحوم آقای نمازی شاهرودی که چه‌گونه کاروان آنان، راه را در مکّه کم کرد و... [۴۶] .سرخ پوستان سه قبیله از قبائل داکوتای شـمالی و منطقهٔی قطب، در هنگام نیاز و نیز گم کردن راه در یـخ‌های قطبی و جنگل، از فردی به نام «مهدی» کمک می‌طلبنـد که تـا این اواخر از ارتبـاط این نـام بـا اسـلام و یـا اصولاًـ مکتب اسـلام نیز اطّلاعی نداشـتند پس از اطلاع از این موضوع، تعـدادی از دانشـجویان سـرخ‌پوست به اسـلام گرویدنـد.توضیـح خبرنـامه: زبان‌شـناسان و محقّقان زبان‌های بومی آمریکای شـمالی کشف کرده‌اند که ریشهٔی «مهد» و «مهدی» در زبان‌های بومی اولیّه، در کشورهای شمالی و جنوبی آمریکا، از جنبهٔی بسیار مذهبی و اسرارآمیزی برخوردار است. [۴۷] .

دفاع (فردی و جمعی)

موارد متعدّدی است مبنی بر این‌که حضرت، از برخی دوستداران خود دفاع می‌کند (داستان ضربه‌ی صفین [۴۸] و دفاع از وحید بهبهانی). [۴۹] این دفاع، منحصر به موارد شخصی و فردی نیست، بلکه در مواردی، از جامعه‌ی شیعه دفاع می‌کند و باعث حفظ آنان می‌شود (داستان انار که مربوط به شیعیان بحرین و وزیر آن که دست نشانده‌ی انگلیسی‌ها بوده است و...) [۵۰] .

هدایت

افراد متعددی، به دست حضرت هدایت شدند. از آن جمله است بحرالعلوم یمنی. [۵۱] .

بر آوردن حاجات و رفع مشکلات

داستان‌های متعددی نقل شده که حضرت، برآورنده‌ی حاجات و مشکل گشای بسیاری از افراد بوده‌اند. [۵۲] .

شفا

داستان‌های فراوانی وجود دارد که حضرت، بسیاری از بیماران لاعلاج را که به آن حضرت متوسل شده‌اند شفا داده است. [۵۳] .

همسفره شدن

شیخ اسدالله زنجانی فرمود: «این قضیه را دوازده نفر از بزرگان، از شخصی که در محضر سیّد بحرالعلوم‌قدس سره بود، نقل کردند. آن شخص می گوید:هنگامی که جناب آقای شیخ حسین نجفی، از زیارت بیت الله الحرام به نجف اشرف مراجعت کرد، بزرگان دین و علما، برای تبریک و تهنیت، به حضور او رسیدند و در منزل ایشان جمع شدند.سیّد بحرالعلوم‌قدس سره چون با جناب آقا شیخ حسین، کمال رفاقت و صمیمیّت را داشت، در اثنای صحبت، روی مبارک خویش را به طرف او گرداند و فرمود: «شیخ حسین! تو، آن قدر سربلند و بزرگ گشته‌ای، که باید با حضرت صاحب الزمان‌علیه السلام هم کاسه و هم غذا شوی!». شیخ، متغیّر و حالش دگرگون شد. حضّار مجلس، از شنیدن سخن سیّد بحرالعلوم، اصل قضیه را از ایشان سؤال کردند.سیّد فرمود: «آقا شیخ حسین! آیا به یاد نداری که بعد از مراجعت از حج در فلان منزل بودی، در خیمه‌ی خود نشسته و کاسه‌ای که در آن آبگوشت بود؛ برای ناهار خود آماده کرده بودی، ناگاه، از دامنه‌ی بیابان، جوانی خوش‌رو و خوش‌بو در لباس اعراب، وارد گردید و از غذای تو تناول فرمود؟ همان آقا، روح همه‌ی عوالم امکان، حضرت صاحب الأمر و الزّمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف، بوده‌اند». [۵۴] .چهارشنبه‌ها به مسجد سهله می‌رفتم و مراقب خود بودم و غذای اندک و غیر حیوانی می‌خوردم. در حدود چهارشنبه‌ی ۳۴ یا ۳۵ بود که شبی در مسجد به هنگام دعا و عبادت، دیدم مرد عربی آمد در کنارم نشست، ابتدا قرآن خواند و سپس مرا به سخن گرفت. من پاسخ او را با اکراه می‌دادم و نخواستم با او حرف بزنم، زیرا او را مانع کارم می‌دانستم، در این هنگام، سفره باز کرد و به خوردن غذای چرب و پر از گوشت (پلو ته‌چین) پرداخت و به من نیز اصرار می کرد که بیا با من از این غذا بخور. از او اصرار بود و از من امتناع، سرانجام به او گفتم من در شرایطی هستم که غذای حیوانی نمی‌خورم.آن مرد گفت: بیا بخور، آن‌چه را شنیدی معنایش آن است که مثل حیوان نخور نه آن‌که حیوانی نخور. [۵۵] .

تذکر درباره مالی که از دست داده ای

حضرت‌علیه السلام به او فرمودند: برای از دست دادن مال و ضرری که امسال دیده‌ای غم مخور؛ زیرا خداوند می‌خواهد بدین وسیله تو را امتحان کند. مال می‌آید و می‌رود. آن‌چه ضرر کرده‌ای به زودی جبران خواهد شد و قرض‌هایت را پرداخت خواهی کرد. [۵۶] .

زیارت و حج نیابی

حضرت ولی‌عصرعلیه السلام فرمودند: بیا با هم به زیارت قبر حاج سیدعلی مفسّر برویم، وقتی در خدمتشان به آن‌جا رفتم دیدم روح آن مرحوم کنار قبرش ایستاده است و به آن حضرت، اظهار ارادت می‌کند. بعد سیّدعلی به من گفت: سیّد کریم! به حاج شیخ مرتضی زاهد سلام مرا برسان و بگو: چرا حق رفاقت و دوستی را رعایت نمی‌کند و به دیدن ما نمی‌آیی و ما را فراموش کرده‌ای؟حضرت ولی‌عصرعلیه السلام به سیدعلی فرموند: حاج شیخ مرتضی گرفتار و معذور است، من به جای او خواهم آمد. [۵۷] .این قضیه توسط حضرت آیهًالله العظمی میلانی‌قدس سره نقل شده است:... زیر فشار عذاب طاقت‌فرسا، دست توّسل به سوی مادرم حضرت فاطمه زهراعلیها السلام گشودم و گفتم: مادر جان! درست است که من فریضه‌ای را ترک نموده‌ام، اما من عمری از حسین عزیزت سخن گفته‌ام، شما مرا نجات بدهید. و پس از این توّسل خالصانه، درِ زندانم گشوده شد و گفتند: مادرت فاطمه‌علیها السلام تو را خواسته است. مرا نزد مادرم بردند و او از امیرمؤمنان‌علیه السلام درخواست کرد که مرا ببخشاید و نجاتم را از خدا بخواهد. اما امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمود: دختر گرامی پیامبر! ایشان بارها روی منبر به مردم گفته است که اگر کسی فریضه‌ی حج را در صورت امکان و توان ترک کند، به هنگام مرگ به او گفته می‌شود: یهودی یا نصرانی یا مجوسی بمیر! اکنون او خودش ترک کرده است! من چه کنم؟!مادرم فرمود: راهی برای نجات او بیابید. امیرمؤمنان‌علیه السلام فرمود: تنها یک راه به نظر می‌رسد که خدا او را ببخشاید. و آن این است که از فرزندت مهدی‌علیه السلام بخواهی امسال به نیابت او حج کند، و مادرم چنین کرد و فرزندش مهدی‌علیه السلام پذیرفت و من نجات یافتم، و آن‌گاه مرا به این باغ زیبا و پر طراوت آوردند. [۵۸] .

دیدار

داستان‌های معتبر و ارزنده و درس‌آموز فراوانی مبنی بر این‌که حضرت با برخی از دوستداران خود دیدار دارد. در میان آن‌ها داستان‌های خوبی از بزرگان هست که می‌تواند بسیار درس‌آموز و تأثیر گذار و احساس برانگیز باشد.ناگفته نماند که در این مورد، هر ادّعایی را از هر کسی نمی‌توان پذیرفت؛ چه، آن را که خبر شد، خبری باز نیاورد. هزار نکته‌ی باریک‌تر ز مو این‌جا است.آن چه که ذکرش در این‌جا ضروری است، این است که از ما، عمل به تکلیف را خواسته‌اند و دیدن حضرت‌علیه السلام، تکلیف نیست. دیدار حضرت، گرچه بدون شک، توفیق بزرگی است، امّا ما مکلَّف به آن نشده‌ایم. در داستان‌های متعدّدی، حضرت، خود، به همین نکته اشاره می‌فرماید و تقوا و دین مداری را از شیعیان و دوستداران خود می‌خواهد، نه جست و جوی ملاقات با آن حضرت. عاشق راحتی معشوق را می‌خواهد، و زمینه‌ی آمدن او را فراهم می‌سازد و خواسته‌هایش را که هدایت انسان‌ها و بهبود وضع جامعه است، گردن می‌نهد. آن‌که فقط می‌خواهد امام را ببیند، عاشق نیست، خود خواه است!از این‌ها که بگذریم موارد بیست و شش گانه‌ی ذکر شده [۵۹] را در سه عنوان یاد و مدد و دیدار می‌توان جمع کرد.۱- یاد:۱- نامیدن؛ ۲- سلام؛ ۳- عیادت؛ ۴- نظارت؛ ۵- شریک غم و شادی؛ ۶- دعا بر دوستداران خود؛ ۷- آمین بر دعاهای دوستداران خود؛ ۸- نامه؛ ۹- عبادت؛۱۰- تشییع؛ ۱۱- دفع بلا؛ ۱۲- پیام؛ ۱۳- مسجدها و مقام‌ها؛ ۱۴- هم سفره شدن؛ ۱۵- تذکر؛ ۱۶- زیارت و حج نیابی.۲- مدد:۱- نیابت؛ ۲- تعلیم؛ ۳- درس آموزی؛ ۴- از غربت تا حکومت؛ ۵- فریادرسی؛ ۶- دفاع؛ ۷- هدایت؛ ۸- برآوردن حاجات و رفع مشکلات؛ ۹- شفا.۳- دیدار(داستان‌هایی معتبر، ارزنده و سازنده).

پاورقی

[۱] مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

[۲] بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

[۳] دعای ندبه.

[۴] روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۹ (به نقل از الزام الناصب، ص ۱۰).

[۵] الامام الامین الرفیق و الولد الشفیق، و الاخ الشقیق، و الاخ الشفیق، و کالامّ البرّة بالولد الصغیر مفزع العباد...؛ امام، امین و دوست است، و پدر مهربان و برادر همزاد است، و مانند مادری مهربان است نسبت به فرزند خردسال خود، و پناهگاه مردم است. (تحف العقول، ص ۳۲۴).

[۶] إن رحمةَ ربّکم وسعت کلَّ شیء و أنا تلک الرحمة. (بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱).

[۷] ر.ک: آیه ۱۰۵ از سوره‌ی توبه و روایت ذیل آن.

[۸] حاج آقا فخر، از صالحانی بود که چند سال پیش، در قم، از دار دنیا رحلت کرد.

[۹] سیری در آفاق (زندگی‌نامه‌ی حضرت آیةالله العظمی بهاءالدینی، ص ۳۷۴). [

[۱۰] نامه به شیخ مفید.

[۱۱] تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۶.

[۱۲] نامه‌ی حضرت به شیخ مفید، بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ۱۷۶.

[۱۳] داستان حاج علی بغدادی، (النجم الثاقب، حکایت...؛ مفاتیح الجنان در زیارت کاظمین).

[۱۴] داستان حاج علی بغدادی، النجم الثاقب، حکایت...؛ مفاتیح الجنان).

[۱۵] داستان علامه بحرالعلوم، (عنایات حضرت مهدی‌علیه السلام به علما و طلاب، محمّدرضا باقی اصفهانی، ص ۲۶۲).

[۱۶] توجهات ولیّ‌عصرعلیه السلام به علما و مراجع تقلید، عبدالرحمن باقرزاده بابلی، ص ۸۴.

[۱۷] ر.ک: ترجمه‌ی مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۴۱ – ۳۴۲.

[۱۸] مکیال المکارم، ج ۲، ص ۹۴ و ۵۳.

[۱۹] مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۴ و ۵۳.

[۲۰] مهج الدعوات، ۳۰۲.

[۲۱] نساء: ۸۶.

[۲۲] تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴۵.

[۲۳] الخرائج، باب حادی عشر فی معجزات الامام علی بن محمّد الهادی‌علیه السلام.

[۲۴] ترجمه مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۴۷- ۴۴۹.

[۲۵] مشارق الأنوار، ص ۴۵۲؛ مکیال‌المکارم، ج ۱، ص ۱۶۳.

[۲۶] ر.ک: احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

[۲۷] آثار الحجة، ج ۱، ص ۱۳۴؛ عنایات حضرت مهدی(عج) به علما و طلاب، ص ۱۴۱. و نیز حکایت ۶۲ و ۶۳ از کتاب عنایات حضرت...، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

[۲۸] عنایات حضرت مهدی...، ص ۳۴۹- ۳۶۰.

[۲۹] شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲، ص ۱۳۷.

[۳۰] شیفتگان حضرت مهدی‌علیه السلام، ج ۳، ص ۱۵۸.

[۳۱] و نیز ر.ک: عنایات حضرت مهدی(عج)، ص ۳۶۱- ۳۷۰.

[۳۲] الغیبهٔ، شیخ طوسی، ص ۲۴۶.

[۳۳] شیفتگان حضرت مهدی(عج)، ج ۲، ص ۳۵۵؛ عنایات حضرت مهدی(عج) و... ص ۴۸.

[۳۴] ر.ک. مجله انتظار، شماره ۱، ص ۳۱.

[۳۵] النجم الثاقب، ص ۳۸۳.

[۳۶] احتجاج، طبرسی، ج ۲.

[۳۷] عنایات حضرت مهدی...، ص ۵۷- ۷۴.

[۳۸] ر.ک: عنایات حضرت مهدی(عج)...، ص ۱۵- ۲۸.

[۳۹] مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۳۴.

[۴۰] النجم الثاقب، ص ۶۰۲؛ مفاتیح الجنان (پس از زیارت جامعه).

[۴۱] مهدی (ع)...، ص ۱۷۱.

[۴۲] عنایات حضرت مهدی...، ص ۱۴۶- ۱۵۳.

[۴۳] ر.ک: تاریخ الغیبهٔ الکبری، سید محمد صدر، ص ۱۱۶- ۱۱۷.

[۴۴] واذکروا إذ أنتم قلیل مستضعفون فی الأرض تخافون أنْ یتخطفکم الناس). انفال: ۲۶.

[۴۵] ر.ک: عنایات حضرت مهدی...، ص ۳۱۵.

[۴۶] ر.ک: پاداشه خوبان، ص ۱۰۰. برای آگاهی از موارد دیگر، ر.ک: تشرف یافتگان، ص ۴۹ و عنایات حضرت مهدی(عج)...، ص ۳۰۵- ۳۴۵ و ۴۱۳- ۴۳۸؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۳۲- ۳۳۵.

[۴۷] خبرنامه فرهنگی اجتماعی سازمان تبلیغات اسلامی، شماره‌ی منبع ۱۳ خرداد ۱۳۶۶، ص ۶ (به نقل از صبح امید، صدر الدین هاشمی دانا، ص ۱۲۶).

[۴۸] برکات حضرت ولی عصر (حکایات العبقری الحسان) ص ۱۲۴.

[۴۹] ر.ک: عنایات حضرت مهدی(عج)، ص ۹۳.

[۵۰] نجم ثاقب، حکایت ۴۹، ص ۵۵۶.

[۵۱] ر.ک: عنایات حضرت مهدی(عج) ص ۹۱. و همچنین است حکایت شیخ ابوالقاسم حاسمی و رفیع الدین حسین. همان، ص ۸۹ و حکایت یاقوت روغن فروش، مکیال‌المکارم، ص ۱۰۷.

[۵۲] ر.ک: عنایات حضرت مهدی(عج)...، ص ۲۷۳- ۲۸۴؛ شمیم عرش (تشرف یافتگان) ص ۱۵۰.

[۵۳] ر.ک: عنایات حضرت مهدی(عج)...، ص ۱۷۷- ۱۹۴ و کرامات المهدی(عج).

[۵۴] برکات حضرت ولیّ عصرعلیه السلام ص ۲۸۸؛ العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۱۸.

[۵۵] توجهات ولی عصر به علما و مراجعه تقلید.، عبدالرحمان باقرزاده‌ی بابلی، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

[۵۶] تاریخ الغیبهٔ الکبری، سید محمّد صدر، ج ۲، ص ۱۲۵ (به نقل از النجم الثاقب، ص ۳۶۶).

[۵۷] عنایات حضرت مهدی‌علیه السلام...، ص ۳۶۸.

[۵۸] عنایات حضرت مهدی‌علیه السلام...، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.

[۵۹] ناگفته نماند، موارد دیگری نیز از جلوه‌های محبّت امام، را می‌توان بر شمارد، امّا به همین اندازه اکتفا می‌شود؛ چه این‌که ما، در صدد استقصای تمامی موارد نبودیم. آن چه در این‌جا ارائه شد، برخی از جلوه‌های محبت امامعلیه السلام است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

